

صف دوستان و دشمنان طبقه کارگر

درحاشیه نامه سه کارگر مبارز زندانی به منصور اساتلو

یک نبرد غرور آفرین

درحاشیه مسابقه فوتبال ایران و آرژانتین و شادمانی مردم



اکثریت مردم به سیاست اقتصادی نئولیبرالی نه گفتند

درحاشیه انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا



کشتار "هدفمند" با هواپیماهای بی سرنشین

درافغانستان

اطلاعیه حزب کارایران (توفان)

جان رضا شهابی در خطر است، برای آزادی وی

و دیگر کارگران زندانی بکوشیم

"توافقنامه بین حماس و الفتح" و دسیسه های رژیم اشغالگر صهیونیستی

اطلاعیه مشترک حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج (پی سی اراسی)

و حزب کمونیست بنین (پی سی بی)

یاد داشتهای کوتاه سیاسی روز

به یاد رفیق کاک عبدالله حسن زاده

اعتصاب غذای ۹ زندانی سیاسی در همبستگی با رضا شهابی

اعتصاب کارگران معدن بافق

مفسدان روحانی در قدرت و مبارزه با آفتابه دزدها!

صف دوستان و دشمنان طبقه کارگر

درحاشیه نامه سه کارگر مبارز زندانی به منصور اسانلو

برنامه تلویزیونی اخیر منصور اسانلو در رابطه با جمع آوری کمک مالی به کارگران زندانی و خانواده های آنها سروصدای زیادی به راه انداخته است. رهبر سابق سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد که روزی به خاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران محبوب کارگران و مردم ایران بود امروز با شکستن صف دوستان و دشمنان قسم خورده طبقه کارگر و عموم مردم تحت ستم ایران در قالب مبارزه برای " گذار از دیکتاتوری فاشیستی مذهبی به جامعه آزاد و دمکراتیک" و مناظره و گفتگو با رضا پهلوی..... مورد انتقاد شدید همان نیروها و سازمانهایی قرار گرفت که تا دیروز از مبارزاتش حمایت میکردند و فریادوی را که در زیر شکنجه های وحشیانه جمهوری اسلامی مقاومت میکرد به گوش جهانیان و مردم مترقی میرساندند و از هیچ کوششی برای آزادی وی دریغ نمی نمودند.

حزب کار ایران (توفان) نیز در حد توان و امکانات خود و در ارتباط با احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست جهانی متشکل در " کنفرانس بین المللی احزاب م ل" بارها با صدور فراخوان از رفقای احزاب برادر خواست تا با اعتراض به سفارتخانه های جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری وی قید و شرط منصور اسانلو و همه زندانیان سیاسی گردند. سخن بر سر حمایت نیروهای انقلابی و ترقی خواه از اسانلوست و نه دشمنان و منحرفان سیاسی که کوچکترین وقعی به مبارزه سندیکایی و حقوق صنفی کارگران نمی گذارند و تفاوتی بین ماهیت و وظایف یک حزب سیاسی و اتحادیه کارگری قائل نیستند و به خرابکاری و مشوب افکار مشغولند.

حزب ما بارها تحلیل کرده است که سندیکای کارگری تشکلی صنفی و طبقاتی است که اصلی ترین وظیفه آن دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی کارگران است. البته این به آن معنا نیست که سندیکا از مسائل سیاسی کاملاً بر کنار است. در دنیای امروز و بویژه در کشور استبداد زده ایران هیچ سازمان صنفی نمی تواند از منافع صنفی خود دفاع کند، مگر آنکه با یک سلسله سدها و موانع گوناگون حاکمیت استبدادی از طرفی و مداخله گریهای امپریالیستی در عرصه های مختلف اقتصادی و سیاسی روبرو گردد و در برابر آنها موضع صریح و قاطع اتخاذ نماید. پروسه تدوین قانون کار و تصویب و تغییرات دائمی آن را در طی ۳۴ ساله بعد از انقلاب در نظر بگیرید تا تاثیرات عمیق ارتجاعی سیاسی باندهای مافیائی و جناحهای مختلف حاکمیت استبدادی از طرفی و تاثیرات سیاستهای نئولیبرالیستی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و همچنین تاثیر تحریمهای کشورهای امپریالیستی و تهدیدات نظامی آنها را در این رابطه برایتان نداعی کند. فقط در همین رابطه مشخص هزاران نفر از فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو با اتهامات سیاسی و نه صنفی اخراج و زندانی و شکنجه و دهها نفر اعدام شدند و زندگی میلیونها کارگر و خانواده آنها تحت تاثیر این قوانین که ظاهر را به روابط کار می پردازد و صنفی است، قرار گرفت.

امروز مردم کوچه و خیابان به تجربه دریافته اند که تحولات سیاسی و اقتصادی و بحران و جنگ در گوشه و کنار جهان و منطقه، در وضعیت معیشتی آنها تاثیر گذار است. سیاستمداران و اقتصاددانان نئولیبرالیست حکومتی و اپوزیسیون ارتجاعی و نوکر امپریالیستها، خصوصی سازی هرچه بیشتر ثروتهای اجتماعی و برداشتن تعرفه های گمرکی و حذف سوبسیدها و عدم حمایت از جنبش های استقلال طلبانه و تسلیم بی قید و شرط شدن به زور گوئی ها و اجحافات امپریالیستها را راه نجات از وضعیت بحرانی اقتصادی و سیاسی معرفی می کنند، در صورتی که یکی از عوامل اصلی بحران اقتصادی فعلی بخصوص در رابطه با ورشکستگی صنایع و کشاورزی و گسترش بیکاری و فقر و وضعیت دهشتناک معیشتی طبقه کارگر و زحمتکشان همین سیاستهای نئولیبرالیستی است که طی ۲۴ ساله گذشته بطور پیگیر دنبال شده است. یا در مورد تحریمهای اقتصادی و نفتی و بانکی کشورهای امپریالیستی و تاثیر آن، اپوزیسیون دست راستی و امپریالیستها چنین تبلیغ می کنند که علت این تحریمهای اقتصادی و تهدیدات نظامی و تاثیرات آن در زندگی مردم نه ناشی از ماهیت امپریالیسم و سیاستهای راهبردی آنها در منطقه، بلکه ناشی از سیاستهای بنیادگرائی اسلامی و یا تقابل میلیتاریسم و اسلام سیاسی است و چنین تبلیغ می کنند که اگر حاکمیت ایران، اسلامی و ارتجاعی نبود و یا مسئله پرونده هسته ای نداشت و یا مداخلات جمهوری اسلامی در سایر کشورها نبود مشکل تحریمها و تهدیدات نظامی را نداشتیم؛ ولی واقعیت این است که نه بنیاد گرائی اسلامی و نه مسئله هسته ای و نه دخالتهای جمهوری اسلامی عامل این تحریمها و تهدیدات نیست بلکه عامل اصلی، سیاست راهبردی " خاورمیانه بزرگ " امپریالیسم آمریکا در منطقه است. چرا که رژیمهای عربستان سعودی و شیخک های جنوب خلیج فارس به مراتب فناتیک تر و مرتجع تر از جمهوری اسلامی هستند و هیچ مشکلی هم با امپریالیستها ندارند و یا اینکه رژیم سکولار صدام حسین و بشار اسد که بنیادگرا نبودند چرا مورد تهاجم و مداخله گری قرار گرفتند. قذافی تمام تاسیسات هسته ای خود را نابود کرد و همه شرایط آنها را پذیرفت اما باز هم مورد تهاجم و اشغال قرار گرفت. امپریالیستها چرا با مداخلات عربستان و قطر و

آمخوران مزدور آنها در عراق و سوریه و لیبی مشکلی ندارند؟ بنابراین می بینیم همه این حقایق نشاندهنده این است که اقداماتی که در راستای منافع امپریالیستها یا مخالف با منافع آنهاست، تعیین کننده سیاست آنها در قبال کشورهای منطقه است.

مشخص کردن صف دوستان و دشمنان طبقه کارگر در عرصه داخلی و خارجی و مواضع روشن داشتن در این عرصه به پیشروی و تحکیم و تقویت صفوف جنبش کارگری کمک می کند. آقای اسانلومناسفانه با بینشی غیر علمی و احساسی و سیاست همه باهم و شعار گذار از دیکتاتوری مذهبی به جامعه سکولار و دموکراتیک که همان شعار رضا پهلوی و سازمان مجاهدین ضد خلق است از وظایف ملی و طبقاتی خود عدول کرده و با مخدوش کردن صف دوستان و دشمنان مردم، صف انقلاب و ضد انقلاب، صف ملی و ضد ملی، در چشم کارگران و مردم ایران که بیش از هر زمان نیاز به آگاهی و هوشیاری در مورد دشمنان طبقاتی و ملی و مارهای خوش خط و خال دارند، خاک می پاشد. غافل از اینکه همه جریاناتی که در عرصه داخلی و خارجی مخالف جمهوری اسلامی هستند، دوستان طبقه کارگر و زحمتکشان ایران نمی باشند. طبقه کارگر ایران باید بداند نئولیبرالیستهای سبز پوش طرد شده از حاکمیت، سلطنت طلبان و مجاهدان ضد خلق جاسوس و جیش العدل و الاهواز و پژاک و سایر تجزیه طلبان عامل امپریالیسم، دشمنان خلقها و طبقه کارگر ایران هستند و منافع طبقه کارگر نه تنها هیچ سختی با آنها ندارد، بلکه دقیقاً در تقابل با آن قرار دارد. اوضاع داخلی ایران و اوضاع پرتنش منطقه که امپریالیستها بویژه امپریالیست آمریکا مسبب این ویرانیهها و جنگهای خونین است و وظیفه نیروهای آگاه اجتماعی را دوچندان میکند که هوشیارانه عمل نمایند و فریب شعار حقوق بشرخواهی دشمنان طبقاتی و ملی مان را نخورند. نامه سه کارگر مبارز زندانی رضا شهابی، محم جراحی و شاهرخ زمانی که تحت نام، "منصور هنوز دیر نشده از صف کارگران جدا نشو!" نه از سر حب و بغض شخصی، بل از سر صمیمیت، احساس مسئولیت و آگاهی و مرزبندی روشن با دشمنان کارگران ایران است. حزب ما با تائید مواضع سیاسی این کارگران دربند، عین نامه را به چاپ میرساند به این امید که این انتقاد دلسوزانه و سازنده مورد توجه آقای منصور اسانلو قرار گیرد.

منصور، هنوز دیر نشده، از صف کارگران جدا نشو!!!

با خبر شدیم در یک برنامه تلویزیونی که گفته می شود صاحبان آن مرتبط به تشکیلات پهلوی هستند، مبلغ قابل توجهی کمک مالی به اسانلو وگذار شده است تا ایشان در میان فعالین کارگری تقسیم کنند. ما که به خوبی می دانیم حتی یک ریال از این پول ها نتیجه دست رنج صاحبان آن ها نبوده، بلکه برعکس، نتیجه استثمار امثال ما کارگران است، بسیار ناراحت کننده است که چرا منصور اسانلو نه تنها از دریافت آن امتناع نکرد بلکه با شوق زدی جملاتی در وصف آشتی طبقاتی بیان کرد. از نظر ما این می تواند به معنی پروسه سازش با دشمنان طبقاتی کارگران باشد، مراحل قبلی آن را عمدتاً به صورت اتخاذ تاکتیک ها و روش های فعالیت و برنامه ای و همچنین نظرات سیاسی منعکس می کرد، اما اکنون با نشستن پشت میز آشتی طبقاتی و دریافت مبالغی که معنایی به جز تثبیت این آشتی طبقاتی ندارد، می رود تا نقطه پایانی بر پروسه سازش طبقاتی را، نمایان کند. ما کارگران زندانی علیرغم عدم دسترسی به منبع درآمد، صد بار ترجیح می دهیم وضعیت نابسامان مالی خود و خانواده خود را تحمل کنیم، اما از پذیرش چنین پول های که آلوده به خون کارگران است و برای منحرف کردن مبارزات جنبش کارگری و تفرقه افکنی میان کارگران خرج می شود امتناع می کنیم.

ما وقتی که از جنبش مستقل کارگری حرف می زنیم به این معنی است که نه تنها می خواهیم استقلال را در سیاست کارگری و تشکیلات کارگری حفظ کنیم، بلکه به خصوص می خواهیم از نظر مالی مستقل و متکی به هم طبقه ای های خود باشیم. ما می دانیم سرمایه داران میلیارد ها، میلیارد تومان از استثمار کارگران سود به جیب می زنند، و در پروسه چنین سازش های بخش بسیار نا چیزی از آن را با برنامه ریزی دقیق برای تفرقه اندازی و گسترش پراکندگی میان کارگران و فعالین کارگری هزینه می کنند و از طریق این پول های آلوده کارگران را تابع شرایط غیر انسانی موجود نگه می دارند، نتیجه این گونه سازش ها ادامه گرسنگی، سلطه سرمایه داران و فقر و فلاکت دائمی برای ما کارگران است، خصلت ذاتی سرمایه داران این است، هر ریالی که هزینه می کنند به عنوان سرمایه گذاری به حساب آورده و می خواهند هزاران ریال از قبل آن سود ببرند. در حال حاضر سرمایه داران و دولت های حامی آنها از پولی که می خواهند از طریق منصور اسانلو به کارگران یا فعالین کارگری بدهند این است که در دوره بحرانی جمهوری اسلامی به کارگران بگویند که مبارزه طبقاتی وجود ندارد، (و ما) یعنی سرمایه داران کارگران را استثمار نمی کنیم، و هیچ اختلافی میان کارفرماها و کارگران وجود ندارد، هر گاه چنین فکری را کارگران بپذیرند مبارزه منحرف شده و بقای سرمایه داری تضمین خواهد شد، یعنی سازش طبقاتی اتفاق خواهد افتاد، و امروز بخشی از سرمایه داری به منصور اسانلو برای فریب کارگران چنین مسئولیتی را داده است. اما منصور اسانلو با پس داد این پول می تواند هنوز در طبقه کارگر به عنوان فعال کارگری جایگاه خود را

حفظ کند، اگر پس ندهد یعنی خدمت کاری سرمایه داری را پذیرفته است. به همین دلیل و به این وسیله اعلام می داریم که نه تا کنون به ریالی از این نوع پول های آلوده نیازمند بوده ایم و نه فعالیت مستقل مان اجازه می دهد از این پس به آن

نیازمند باشیم. همچنین به سایر فعالین کارگری هشدار می دهیم که از دریافت چنین پول هایی امتناع ورزند، چرا که قبول چنین پول های آلوده بطور خود کار در یافت کننده را از صف کارگری جدا کرده، به صف دشمنان کارگران متصل می کند.

بنا بر این به منصور اسانلو نیز توصیه می کنیم، پول های دریافتی مذکور را پس داده و خود را بیش از این از صفوف جنبش کارگری جدا نکند.

اگر فعالین واقعی کارگری قصد آلوده شدن با این پول ها را داشتند به جای مبارزه تن به سازش طبقاتی می دادند زجر زندان را متحمل نمی شدند، و زندگی آن ها این قدر با سختی و مشقت مالی سپری نمی شد.

ما منتظر شنیدن خبر پس دادن این پول توسط منصور اسانلو در اسراع وقت و اعلام علنی تقابل او با گرایش های خارج از طبقه و دشمن طبقه کارگر هستیم، تا بتوانیم دوستی و اتحاد طبقاتی خود را مانند سابق حفظ کنیم، اگر منصور اسانلو در پس دادن پول های فوق کوتاهی و تعلل کند به این معناست که می خواهد آگاهانه از طبقه کارگر جدا شده و به خدمت سرمایه داران، کارفرمایان و دولت های سرمایه داری بپردازد.

شاهرخ زمانی از زندان گوهر دشت کرج

رضا شهابی از زندان گوهر دشت کرج

محمد جراحی از زندان مرکزی تبریز

تاریخ: ۱۳۹۳/۳/۱۵

درود بر کارگران معدن بافق



۲۵۰۰ تن از کارگران شرکت سنگ آهن مرکزی شهرستان بافق در اعتراض به عرضه ۲۸/۵ درصد از سهام این شرکت معدنی در فرابورس که به قصد خصوصی سازی انجام گرفته است، از تاریخ ۲۷ اردیبهشت دست از کار کشیده اند. به گزارش ایلنا،... سخنگوی شورای اسلامی شهرستان بافق گفته است از تحسن بیش از ۲۵۰۰ کارگر شرکت سنگ آهن مرکزی این شهرستان نوزدهمین روز متوالی گذشته است. «محمد عباسی بافقی» در این باره به ایلنا گفت: کارگران شرکت سنگ آهن مرکزی شهرستان بافق در اعتراض به عرضه ۲۸/۵ درصد از سهام این شرکت معدنی در فرابورس که به قصد خصوصی سازی انجام گرفته است، از تاریخ ۲۷ اردیبهشت دست از کار کشیده و در محل کار تحسن کرده اند. کارگران با اشاره به عوارض نامطلوب معادن شهرستان بافق نظیر شیوع هیپاتیت، سرطان و محرومیت های این منطقه از جاده های نامناسب، گاز کشی و...، خواستار تضمین خوراک کارخانه های احداث شده یا در دست احداث پیرامون شرکت سنگ آهن مرکزی برای انجام مراحل ۰ تا ۱۰۰ فرآوری سنگ های استخراجی به قصد توسعه شهرستان بافق می باشند.

کارگران همچنین خواهان تضمین امنیت شغلی و ارتقای سطح استخدامی و افزایش حقوق هستند.

صدها اعتصابات کارگری در سالهای اخیر نشان از رشد جنبش کارگری دارد که تشکیل سندیکاهای مستقل از دولت را در رأس برنامه های خود قرار داده است. تأسیس سندیکای شرکت واحد، سندیکای هفت تپه و اتحادیه های مشابه و پیکار متحد کارگران در این سندیکاها نمونه های درخشان و گام ارزشمندی است که رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. سرکوب مستمر تشکلات نوپای کارگری و دستگیری رهبران آن تا کنون نتوانسته است خللی در اراده این کارگران شریف و مبارز وارد سازد.....

درود بر کارگران معدن بافق

یک نبرد غرور آفرین

در حاشیه مسابقه فوتبال ایران و آرژانتین و شادمانی مردم

فوتبال در ایران به پاس رژیم ضد ورزش، ضد زن و عقب مانده جمهوری اسلامی صرفاً یک پدیده ورزشی نیست یک اقدام آشکار سیاسی است. رقابتی آشکار میان توده مردم و حاکمیت متحجر اسلامی است. رقابتی میان ترقی و تخریب است. رقابت و مبارزه ای آشکار میان استبداد اسلامی و تلاش مردم برای تساوی حقوق زنان با مردان ایران است که آنها را حتی از شرکت در شادی پیروزی تیم ملی فوتبال ایران و یا مسابقات باشگاهی در آوردگاه آزادی محروم میکنند، مبارزه ای گاه پنهان و گاه آشکار و بیرحمانه برای برسمیت شناختن تساوی حقوق همه خلقها و اقوام و مذاهب در ایران است که زندگی دموکراتیک را در سراسر این سرزمین تاریخی برای همه مقدور سازد، مبارزه ای آشکار و غرور آفرین است تا سرفرازانه بر غرور ملی که خاری بر چشم پان اسلامیسیم ارتجاعی و متعفن، امپریالیسم و صهیونیسم و نوکران دیروز و امروز آنهاست، تکیه کند. برد و باخت این تیم هر دو موجب ترس رژیم و وسیله مبارزه مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی است. رژیم جمهوری اسلامی که قادر نشد و نبود این ورزش مورد علاقه مردم ایران را از تاریخ ورزش ایران حذف کند تلاشهای بیهوده ای کرده است تا بر موج فوتبال سوار شود و آنرا تحت نظارت و کنترل خود در آورد. رژیم که بیشرمانه نام تیم ملی را به تیم فوتبال جمهوری اسلامی تغییر داده بود و به ملی و ملت لجن می پاشید و به ریسمان امت اسلامی آویزان شده بود امروز مذبحخانه تلاش دارد خود را "ایران دوست و ورزش دوست" جابزند. زهی بیشرمی!

با درخشش خیرکننده تیم ملی فوتبال ایران در مقابل یکی از مدعیان قهرمانی جام جهانی، تیم ملی فوتبال پر ستاره آرژانتین، علیرغم شکست در مقابل این تیم اما به لطف یک بازی زیبا و منظم مورد تحسین اکثر مفسران معتبر جهان قرار گرفت و میلیونها ایرانی را در ایران و سراسر جهان به وجد آورد. میلیونها نفر در ایران به رقص و پایکوبی پرداخته و جشن گرفتند و به بازیکنان قهرمان تیم ملی فوتبال ایران که با همت و پایداری خود این بازی پرشکوه و غرور آفرین ملی را رقم زدند درود فرستادند و تشکر کردند. بی تردید این موفقیت‌های ورزشی در دفتر قهرمانیها و افتخارات ملت ایران ثبت میگردد. اما از سوی دیگر این پیروزیها موجب خشم و برافروختگی عده ای روشنفکر نما گشته که گویا این موفقیت‌های ورزشی به تقویت رژیم جمهوری اسلامی منجر شده و در نتیجه نقش ورزشکاران و شرکت آنها در میادین جهانی را نه تنها مثبت ارزیابی نمی کنند بل منفی و به نفع حاکمیت می دانند. این عده که بخش کوچکی از ایرانیان چپ اندر قیچی هستند و با شعار "کارگران وطن ندارند" و ورزشکاران برای وطن بورژوازی و زیر پرچم و سرود بورژوازی اسلامی " نباید سینه بزنند و مدال تقدیم رژیم جمهوری اسلامی دهند" به میدان می آیند، بر علیه ورزشکاران قلمفرسایی و بیشرمانه به توهین و تحقیرشان می پردازند. در این میان عناصر فریب خورده سازمان خود فروخته مجاهدین که همه ورزشکاران ایران را رژیم و موفقیت‌هایشان را بسود رژیم و تحکیم آن ارزیابی نموده و تمام توش و توان خود را برای منفی جلوه دادن این پیروزیها و توهین به ورزشکاران ایران بکار گرفته و می گیرند اظهار الشمس است و نیاز به توضیح بیشتر ندارد. این نیروها به رغم تطورات ایدئولوژیکی و سیاسی اما در یک چیز متحد عمل میکنند دعوت ورزشکاران به عدم شرکت در میادین ورزشی و تحریم تام و تمام ایران در این عرصه است. فلسفه مبارزاتی این جماعت چنین است: " هر چه بدتر بهتر". به واقع تشدید مبارزه و صف بندیهای جدید سیاسی حتا به عرصه ورزشی نیز کشیده شده و می توان پی برد که چه کسانی امروز در صف مردم و با دفاع از دستاوردهای ورزشی، علمی و هنری ملت ایران ... علیه رژیم اسلامی برای آزادی و دموکراسی و ایرانی مستقل و شکوفان میرزند و چه کسانی در مقابل مردم صف آرائی کرده و خواهان ایرانی زبون و ضعیف و مفلوک اند. این عده که به مرض مالیخولیا گرفتارند فاقد هر نوع دورنمای سیاسی برای تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران هستند و جز ایفای نقش خرابکارانه و ارتجاعی هنر دیگری ندارند.

رژیمی که حقوق زن و مرد را برسمیت نمی شناسد، چه برسد به تساوی این حقوق راضی باشد، رژیمی که از حضور زنان در استادیومهای ورزشی ممانعت بعمل می آورد مایه ننگ است و نمی تواند در افکار عمومی مردم جهان امتیاز مثبتی به دست آورد. حسن روحانی نماینده تیم ملی فوتبال ایران نیست، نماینده رژیمی است که با تحمیل پوشش اجباری و آپارتاید جنسی و اجرای سنگسار و اعدام در ملاء عام سی و پنج سال برمسند قدرت تکیه زده و چهره زشتی از فرهنگ کشور ما ترسیم کرده است. اونه می خواهد و نه می تواند درب استادیوم ورزشی را به روی زنان ایران باز کند و این خواست ابتدایی را محقق سازد. تیم ملی فوتبال ایران، تیم ملی مردم ایران است و نه رژیم اسلامی که مخالف حضور زنان در استادیومهای فوتبال است و با جشن و شادمانی مردم مخالفت می ورزد.

فوتبال در ایران استخوانی است که در گلوئی رژیم گیر کرده، هم پیروزی و هم شکستش برای او مشکل زاست. پیروزیهای مردم در عرصه های متنوع ورزشی، در فوتبال، والیبال، بسکتبال و کشتی وزنه برداری و ... مردم ما را با روحیه قویتر، شادابتر و تعرضی تر در مقابل رژیم متحجر جمهوری اسلامی قرار میدهد و این آن نکته مهمی است که باید بر آن تاکید ورزید تا قدم به قدم رژیم را به عقب راند و سرانجام وی را به گورستان تاریخ سپرد.

درد بر ورزشکاران قهرمان ایران!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

نقل از فیسبوک

توفان

سخن هفته

دوشنبه ۲ تیر ۱۳۹۳

www.toufan.org

اکثریت مردم به سیاست اقتصادی نئولیبرالی نه گفتند درحاشیه انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا

انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا در ۲۵ ماه مه پایان یافت. احزاب و سازمانهای حامی این اتحادیه وحتا بخشی از سازمانهای "چپ" منتقد نیز مردم را فراخواندند تا درانتخابات شرکت نمایند و بر"روند سیاست گذاری این اتحادیه درعرصه های اقتصادی وسیاسی دخیل ومنشاء اثر"باشند. اما صرف نظر از همه این هیاهویی که به راه انداخته اند بجاست تا مختصرا به علل پیدایش این اتحادیه، سیاستهای آن و سپس نقش پارلمان اتحادیه اروپا و تاکتیک صحیح درقبال شرکت ویا عدم شرکت در این انتخابات بپردازیم وپرتوی بر دورنمای این اوضاع افکنیم.

- تکامل "بازار مشترک اروپا" به "اتحادیه اروپا" پس از فروپاشی بلوک رویزیونیستی شرق ودررقابت با امپریالیست آمریکا، ژاپن و چین بر سرمناطق نفوذ وکسب بازارهای جدید شتاب گرفت. اروپا به سرکردگی امپریالیست آلمان که دیگر قیمومیت آمریکا را نمی پذیرد میکوشد با تشکیل اتحادیه اروپا، سیاست واحد خارجی، پول واحد، نیروی واحد نظامی و سرانجام تشکیل "ایالات متحده اروپا" در قالب فدرالیسم بعنوان یک قطب نیرومند امپریالیستی درمقابل سایر رقبا صف آرای کند.

- سیاست حاکم بر این اتحادیه که بیانگر اتحاد قدرتهای برتر امپریالیستی اروپا، آلمان و فرانسه و انگلیس و ایتالیا و دول ضعیفتر سرمایه داری و امپریالیستی است، بر ریاضت اقتصادی نئولیبرالی، خصوصی سازیها، کاهش دستمزدها، لغوپیمانهای جمعی وتضعیف فعالیتهای سندیکایی، تصویب قوانین ضد پناهندگی، افزایش بودجه نظامی وتشدید اختلافات طبقاتی وگسترش بیکاری وفقر..... استوار است. رشد روزافزون خارجی ستیزی، راسیسم وفاشیسم نتیجه طبیعی سیاست افسارگسیخته سرمایه داری نئولیبرالی وهدف گرفتن معیشت اقتصادی کارگران وعموم زحمتکشان است. فاشیسم فرزند خلف سرمایه داری است وشبچی که هم اکنون دراروپا درگشت وگذار است حاصل بحران اقتصادی سرمایه داری امپریالیستی است که باید با نابودی دستآوردهای طبقه کارگر وجنگ وخونریزی حل گردد.

- امپریالیستهای اروپایی برای مشروعیت بخشیدن به سیاستهای نئولیبرالی و ارتجاعی خود باید تمام این قوانین رادر قانون اساسی این اتحادیه به تصویب برسانند وبدان قانونیت بخشند. ارگانهای نظیر شورای اروپا، شورای وزیران اتحادیه اروپا، کمیسیون اتحادیه اروپا، دادگاه اتحادیه اروپا، ارگانهای اجرائیه وتصمیم گیرنده ای هستند که نمایندگانش بدون دخالت مردم وبدون هرگونه انتخاباتی، ازبالا ودرسالنهای درسته انتخاب میشوند. پارلمان اتحادیه اروپا که هر پنج سال یکبار برگزار میشود تنها نهادی است که نمایندگانش ظاهراز جانب رای مستقیم مردم انتخاب میشوند. تعداد اعضای پارلمان اتحادیه اروپا ۷۵۱ نفر است که برحسب جمعیت ۲۸ کشور عضو تقسیم میشود.

- پارلمان اتحادیه اروپا ارگان قانونگذار نیست، اگرچه اختیارات این پارلمان بعد از قراردادهای ماستریشت در ۱۹۹۲ و لیسبون در ۲۰۰۷ قدری افزایش یافته است اما علیرغم این رفرم، دوظیفه بیشتر دراختیار این پارلمان نیست. یکی انتخاب رئیس کمیسیون اروپا، دیگری تصویب برخی قوانین که کمیسیون اروپا تنظیم میکند و باید با مشورت شورای وزیران انجام گیرد. بدین رو پارلمان اتحادیه اروپا اساسا ارگان قانون گذار نیست وتمام سیاستهای کلان اتحادیه اروپا توسط کمیسیون اروپا وشورای وزیران اتخاذ میگردد. پارلمان اتحادیه اروپا، پارلمان بی یال ودم واشکمی است که برای آرایش ومشروعیت بخشیدن به اتحادیه اروپا نقش بازی میکند. این یک پارلمان تقلبی است که با پارلمانهای ملی که حد اقل حفظ ظاهر را بجای می آورند وبرطبق قانون اساسی ملی هرچهارسال یک بار برگزار گردد، تفاوت دارد.

دستگاه عریض وطویل بروکراتیک، حقوقهای کلان نمایندگان پارلمان، وبریدگی از مردم به اندازه ای است که اکثریت مردم درچنین انتخاباتی شرکت نمی کنند، نسبت بدان بیگانه اند، آن را تحریم و یا اساسا بدان توجه ای ندارند. در انتخابات اخیر فقط ۴۳ درصد از مردم در ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا در این انتخابات شرکت کردند.

- با توجه به نکات فوق و اهداف ومکانیزمهای اتحادیه اروپا، فراخواندن مردم جهت شرکت در این انتخابات پارلمانی که برای مشروعیت بخشیدن به اتحادیه امپریالیستی برای فقر وبیکاری بیشتر وجنگ افروزی است، سیاست صحیحی نبوده است. وظیفه احزاب مارکسیستی لنینیستی ونیروهای ترقی خواه فراخواندن مردم برای تحریم این انتخابات وخواست خروج کشورشان از اتحادیه اروپاست. برای تحقق این امر خواست همه پرسى مجدد برای بود ونبود در اتحادیه اروپا یک تاکتیک مشخص سیاسی برای کشاندن مردم به خیابانها واعتراض عمومی علیه سیاست خاتمان برانداز نئولیبرالی و سیاست جنگ افروزانه اتحادیه اروپاست. جدایی دولتها از اتحادیه اروپا وتشدید تضادهای درونی امپریالیستها به نفع مردم است وشرايط را برای پیشبرد مبارزه طبقاتی وحفظ دستآوردهای طبقه کارگر مناسبتر خواهد کرد. پرولتاریا نمی تواند بدون شعار وتاکتیک صحیح "خروج فوری از اتحادیه اروپا" مردم را علیه سیاست ریاضت اقتصادی نئولیبرالی بسیج کند. اکنون شرايط برای انقلاب سوسیالیستی وتحقق "اتحادیه مشترک سرخ اروپا" فراهم نیست وتنها تاکتیک صحیحی که می تواند یک گام پرولتاریا را به هدف استراتژیکش نزدیک کندهمانا خواست جدایی فوری از این اتحادیه ومنفرد کردن این دستگاه گران وعریض وطویل انحصارات چند ملیتی امپریالیستی است که شیره جان کارگران وتوده مردم را می مکد و آنها را بسوی جنگ های خونین واروپای متحد فاشیستی ورسیستی رهنمون میسازد. بحران کنونی یونان، گسترش فقر وفاقه وبی خانمانی در این کشور حاصل سیاست نئولیبرالی اتحادیه اروپاست که کشور را به پرتگاه سقوط وورشکستگی مطلق سوق داده است. فراخوان برخی از

احزاب "چپ" یونان نظیر "حزب کمونیست" یونان (بخوانید حزب روزیونیست!) مبنی بر شرکت مردم در انتخابات پارلمانی اروپا بجای شعار خروج از این اتحادیه نشان از ورشکستگی این جریانات سیاسی دارد که برای چند کرسی پارلمانی به خیانت ملی و طبقاتی تن داده اند. شعله ور شدن جنگ در اوکراین و تقویت فاشیسم و راسیسم در این کشور که با همدستی امپریالیست آمریکا صورت گرفته است، حاصل سیاست جنگ افروزانه و دخالت اتحادیه امپریالیستی اروپا در امور داخلی اکران است.

نتیجه: تشکیل کشورهای متحد اروپا در رژیمهای سرمایه داری امپریالیستی مساویست با سازش درباره تقسیم بازارهای ممالک توسعه نیافته و عقب نگاه داشته شده و این جز زور نمی تواند اساس و اصل دیگری برای تقسیم وجود داشته باشد. این اتحاد و سازش موقت از طرفی برای غارت مشترک ثروت و دستاوردهای صد ساله اخیر طبقه کارگر کشورهای عضو این اتحادیه است. ریاضت اقتصادی نئولیبرالی در سر لوحه این سیاست غارتگرانه امپریالیستی قرار دارد.

۵۷ درصد از واجدین شرایط رای در انتخابات پارلمانی اخیر اتحادیه اروپا شرکت نکرده و آن را تحریم کرده اند. این خودمبین این امر است که سردمداران نئولیبرال این اتحادیه علیرغم همه زوری که زده اند تا مردم را برای مشروعیت دادن به سیاست ریاضت اقتصادی به پای صندوق رای بکشانند، با شکست روبرو شده اند. این خود مایه امیدواری است تا احزاب و سازمانهای مارکسیستی لنینیستی و نیروهای مترقی با تکیه به کارگران و زحمتکشان و همه آحاد ملت، در یک همه پرسی عمومی خواست خروج فوری دولتهای خود از این اتحادیه ارتجاعی را محقق نمایند. از هم پاشیدگی این اتحادیه، منفرد شدن دولتهای امپریالیستی و تشدید تضادهای آنها برفع مبارزات طبقه کارگر و خلقهای اروپا و جهان است.

کشتار "هدفمند" با هواپیماهای بی سرنشین



باراک اوباما رییس جمهور آمریکا همانند جرج بوش پسر کارنامه «درخشانی» در سلاخی مردم افغانستان و عراق و لیبی و... دارد. وی حتی در استفاده از هواپیماهای بی سرنشین و کشتار هدفمند در مبارزه با «تروریسم» روی همه جنایتکاران پیشین آمریکا را سفید کرده و کارنامه سیاهی در دفتر جنایت خود ثبت کرده است. کشتار «هدفمند» با هواپیماهای بی سرنشین تحت رهبری باراک اوباما بشدت ادامه دارد. استفاده از هواپیماهای بی سرنشین در عراق، افغانستان، لیبی، سومالی، یمن و پاکستان.... جان هزاران زن و کودک و پیرو جوان را گرفت و هزاران مجروح برجای گذاشته است.

طبق یک گزارش رسمی از نماینده سازمان ملل بن امرسون، در خلال چند سال اخیر حدوداً ۲۲۰۰ نفر در پاکستان جان باختند که حداقل ۴۰۰ نفر آنها غیرنظامی بوده اند. آمار دقیقی در مورد کشتار کودکان و زنان در افغانستان توسط هواپیماهای بی سرنشین آمریکا در دست نیست لیکن به نظر نمی رسد ارقام کشتار در افغانستان از کشتار در پاکستان کمتر باشد.

امپریالیست آمریکا در حال حاضر دارای ۷۰۰۰ هواپیمای بی سرنشین است و تلاش زیادی بخرج داده تا افکار عمومی داخلی را مبنی بر اینکه این شکل مبارزه علیه «تروریسم» به لحاظ جانی هیچ خطری برای سربازان آمریکایی ندارد و هزینه کمتری در بر خواهد داشت، با خود همراه و کشتار مردم بیگناه را توجیه نماید.

جنایاتی که در ممالک تحت اشغال ادامه دارد جنایاتی است که در قالب راسیستی و اسلام هراسی تئوریزه و به خورد مردم داده میشود و به شستشوی مغزی افکار عمومی می پردازند. ارزش خون یک کودک افغانی و یا پاکستانی و عراقی و یمنی.... بیست تراز ارزش خون یک حیوان جلوه داده میشود. کودک افغانی و عراقی و یمنی.... فرزندان مسلمانان تروریستند و لذا خونشان حلال و پاکشان از تعداد "مهاجرین عقب مانده و وحشی و تروریست" به ممالک متمدن کاسته خواهد شد. رسانه های امپریالیستی جادویی غرب میدانند چگونه کشتار کودکان افغانی را سانسور

کنند تا افکار عمومی از این جنایات بربرمنشانه تحریک و وجدانشان بیدار نگردد. بمباران روستای قمبر در افغانستان توسط هوایمای بی سرنشین آمریکا در سپتامبر سال گذشته که منجر به کشتار ۱۶ تن از اعضای یک خانواده و فامیل گشت بسیار دلخراش و قلب هرانسان بیدار وجدان و بشردوستی را بدر می آورد.

فقط یکی از اعضای این خانواده جان «سالم» بدر برد بطوریکه صورتش کاملا مچله و دیگر هیچ شباهتی به صورت عایشه چهار ساله قبل از این فاجعه ندارد.

امپریالیسم آمریکا بعنوان عمده ترین دشمن بشریت، صاحب ۴۰ درصد بودجه نظامی جهان، با انواع و اقسام ترفند ها از تحمیل سیاستهای اقتصادی نولیبرالی و مطابق الگوهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، کنترل شوند تمام مردم جهان.... برای اهداف استراتژیکش افغانستان را اشغال و آن را ویران تر نمود. سلطه آمریکا بر این کشور نه تنها نتیجه مثبتی به بار نیاورده و نمی آورد، بلکه مانع از تکامل طبیعی آن گشته و آن را به مستعمره خود بدل ساخته است. تبعات این وضعیت فقر و فلاکت اقشار وسیعتری از مردم این کشور، عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنان به همراه هزاران مشکل ریز و درشت و مهاجرتهای میلیونی و غیره بوده است.....

احزاب و جریاناتی نظیر حزب ضد ایرانی و ضد کمونیست منصور حکمت که تجاوز به افغانستان را در قالب "مبارزه علیه اسلام سیاسی و سناریوی سیاه و سفید" مثبت از یابی نموده و بر طبل «تمدن و دموکراسی» کوبیدند، عاملین استعمار و نوکران امپریالیسم و صهیونیسم در ایران و منطقه اند. این مزدوران با همین ترفند سیاسی تجاوز نظامی ناتو به لیبی را مثبت و سرنگونی رژیم قذافی را "انقلاب مردم" نامیدند.

از تجاوز نظامی به سوریه که در قالب جنگ نیابتی صورت گرفته است نیز در قالب دفاع از "انقلاب سوریه" به دفاع برخاسته و عملا در دفاع از جبهه جهادیهها و امپریالیسم غرب پرچم بر افراشتند. این حزب با همین تئوری "سناریوی سیاه و سفید" بت اعظم منصور حکمت خواهان تجاوز نظامی به ایران است تا در پارکابی امپریالیسم آمریکا رژیم جمهوری اسلامی را براندازد..... این "سکسیستهای مدرن" مخالف سرسخت شعار خروج بی قید و شرط تمام قوای اشغالگر از خاک افغانستان و عراق و لیبی و سوریه و مالی.. هستند و بعنوان متحدین امپریالیسم و صهیونیسم انجام وظیفه میکنند. این مزدوران را افشا و طرد کنید!

زنده باد خلق دلاور افغانستان که برای استقلال و آزادی می جنگند. مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!

توفان

سخن هفته

نقل از فیسبوک توفان حزب کار ایران

پنجشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۹۳

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

جان رضا شهابی در خطر است، برای آزادی وی و دیگر کارگران زندانی بکوشیم



از اعتصاب غذای رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به دلیل تبعید خود از بند ۳۵۰ زندان اوین به زندان رجائی شهر بیش از دو هفته میگذرد.

حزب کار ایران (توفان) رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را مسئول جان و سلامتی رضا شهابی و هراتفاق ناگواری در زندان می داند.

سرکوب کارگران و توده های مردم توسط رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هم به سود استعمارگران و چپاولگران ایرانی و هم به نفع امپریالیستها و جنگ افروزان بین المللی است که با تحریم های اقتصادی خود شرایط زندگی مردم ایران را وخیمتر کرده اند.

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران از ایجاد تشکل های مستقل کارگری واتحاد و همبستگی ائتشار دیگر جامعه با کارگران هراسان است. بهمین خاطر ، رژیم سعی میکند که هر نوع کوشش برای ایجاد تشکل های کارگری مستقل و دمکراتیک را خفه کند. بدنیاال همین سیاست است که رژیم جمهوری اسلامی فعالین کارگری رضا شهابی ، محمد جراحی ، ابراهیم زاده ،شاهرخ زمانی و دیگران را چندین سال است که آزار و شکنجه داده و آنها را زندانی نموده است.

حزب کار ایران(توفان) همه احزاب و سازمانهای برادر ، فعالین کارگری و تشکل ها و افراد مترقی جهان را فرا میخواند که همبستگی خود را با مبارزات کارگران ایران بیان کنند. مردم جهان باید نفرت و انزجار خود را از رژیم جمهوری اسلامی برای بد رفتاری و سرکوب و زندانی نمودن مردم و فعالین کارگری ایران ابراز دارند و از رژیم بخواهند که رضا شهابی و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی را بدون قید و شرط آزاد نمایند. فقط تشدید مبارزات زحمتکشان ایران و حمایت واقعی بین المللی است که میتواند رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارد و سرکوب توده ها را متوقف سازد.

برای آزادی فوری وبی قید وشرط رضا شهابی و دیگر فعالین کارگری بکوشیم!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

حزب کار ایران (توفان)

سه شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۳

مفسدان روحانی در قدرت و مبارزه با آفتابه دزدها!



در جمهوری اسلامی بر اساس فقه اسلامی دست دزد را باید قطع کنند. آنها این عمل را نقض حقوق بشر ندانسته، بلکه مدعی اند که این امر یک ارزش اسلامی است و ارزشهای فرهنگی اسلامی در مغایرت و یا در ناهمگونی با ارزشهای دنیای غرب قرار داشته و باید ارزشهای اسلامی مورد احترام سایر دول و ادیان قرار گیرند. آنها به نسبت فرهنگی تکیه می کنند. در این تهاجم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ایران در جبهه عربستان سعودی، قطر و همه آدمکشان تروریستی قرار دارد که برای قتل عام مردم سوریه به حلب و دمشق گسیل گشته اند و دست و پا و سر قطع می کنند. پای دزدی که به میان می آید، همه نسبت های فرهنگی فراموش می شود. جمهوری اسلامی در ایران بر همان مصداق معروف دستگیری "آفتابه دزد" رفتار می کند. بیچاره "آفتابه دزد" باید جور همه مفسدان روحانی در قدرت را بکشد تا آرایش رژیم تغییر نکند. می شود در مورد نقش دزدیهای سپاه پاسدارن، اسکله های برادران قاچاقچی، خصوصی سازی های اموال دولتی در میان خودی ها و... سخن بسیار گفت و نشان داد که دزدی و فساد با وجود جمهوری اسلامی عجین گشته اند. ولی خطر مهمتری که ایران را تهدید می کند صرف دزدی نیست. امپریالیست آمریکا با توانایی های جاسوسی و نظارت بر ارتباطات جهانی که دارد، بخوبی می داند که چه کسی در داخل حاکمیت ایران، چه مقدار ثروت ایران را غارت کرده و از آن در کدام کشور حفاظت می کند. این اطلاعات آمریکا که می تواند با قدری و به بهانه های گوناگون این اموال را ثبت کند و بالا بکشد، وضعیتی را ایجاد می کند که همه بزرگان در قدرت در ایران احساس خطر و ناامنی کنند و تحت فشار و تهدید، از جانب امپریالیستها قابل خرید باشند. آنها همه، از بدنامی خویش که می توانند قربانی رقیب شوند، طبیعتاً هراس دارند، ولی هراس بیشترشان در این است که آمریکائی ها اموالشان را ضبط کرده و نامشان را برملا کنند. آنوقت این روحانیت فاسد راه فرار از خشم مردم ایران در فرادای انقلاب را نیز از دست می دهد. دزدی سیری ناپذیر رژیم جمهوری اسلامی، برایش خطرناک شده است. رو کردن دست مجتبی خامنه ای و فرزندان هاشمی رفسنجانی نمونه هائی از این نوع است. بسیاری عوامل قدرت در رژیم بشدت تسلیم پذیر و شکستنی گردیده اند. رژیمی که به خلقش متکی نباشد و منافع ملی کشورش را مد نظر قرار ندهد، سرانجام به حلقوم امپریالیستها می رود. فساد و دزدی رژیم جمهوری اسلامی زبان زد عام و خاص است وامری نیست که از آسمان نازل شده باشد. این نتیجه ۳۵ سال حاکمیت شمشیر و خون سرمایه داری جمهوری اسلامیست که زندگی و آینده یک کشور و ملتی را قربانی منافع سیری ناپذیر و حال خود کرده است. مردم ایران راهی جز پیکار متحد علیه این نظم فاسد و کپک زده و براندازی اوبدست خود ندارند، راهی که باید با هوشیاری وتوام با مبارزه علیه دشمنان خارجی که برای ایران خوابهای شومی دیده اند، باشد. جز این راهی برای استقلال و استقرار دمکراسی و عدالت اجتماعی در ایران نیست.

"توافقتنامه بین حماس و الفتح" ودسیسه های رژیم اشغالگر صهیونیستی



اخیرا دولت صهیونیستی اسرائیل مدعی شده که در منطقه اشغالی خودش سه دانش آموز اسرائیلی ربوده شده اند و به این بهانه حکومت نظامی برقرار کرده، به خانه گردی غیر انسانی مشغول شده و صدها فلسطینی را دستگیر کرده و به هر اقدام ضد انسانی و غیر قانونی دست می زند. رسانه های گروهی در جهان در مورد ماهیت ادعای رژیم صهیونیستی سکوت اختیار کرده اند. سازمان حماس که متهم به این اقدام شده است آنرا به شدت تکذیب نموده و آنرا صحنه سازی نتانیاهو بیان کرده است. تمام شواهد دال بر آن است که این اقدام دسیسه سازمان امنیت اسرائیل است تا در کار همکاری حماس و الفتح اختلال کرده، مانع انتخابات آزاد شده و سیاست توسعه اشغال را ادامه داده و منتقدان داخلی را سرکوب کرده و برای افکار عمومی جهان در خدمت ادامه سیاست سنتی خود، بهانه سازی نماید. این امر انگیزه ای شد تا ما به انتشار مصاحبه ابو مسروق که نظر به دسیسه های اسرائیل قبل از این آدمربائی ساختگی دارد دست بزنیم.

هنئیت تحریریه

خرداد ماه ۱۳۹۳

ما نمی توانیم یک شکست دیگر را به خود اجازه دهیم/ ما حق شکست دیگری را نداریم

توافقتنامه بین "حماس" و "الفتح" - فلسطینی ها می خواهند دوباره یکصدا سخن بگویند. مصاحبه ی "ابو مسروق" عضو دفتر سیاسی فلسطینی جنبش حماس، که در نوار غزه در تدارک تشکیل دولت می باشد با "اومبرتو. د. جوانانجلی".

در پاسخ به توافقات حاصله بین الفتح و حماس دولت اسرائیل تصمیم گرفته که مذاکرات صلح با تشکیلات خودگردان فلسطینی ها را به حالت تعلیق در آورد. شما در مورد این گام، چه می گویند؟

یک پرسش متقابل: آیا این مذاکرات صلح هرگز شروع شده بودند؟ توافقتنامه یک مرحله جدیدی است، نه تنها در روابط مابین نیروهای مقاومت، بلکه همچنین در تقابل با قوای اشغالگر. اسرائیل از اتحاد نیروهای مقاومت هراس دارد و همه کارممکنه را از طریق تروریسم دولتی علیه رهبران فلسطینی، فعالان سیاسی و شهروندان انجام داد، که جلوی آنرا بگیرد.

ولی آنچه شما "مقاومت" می نامیدش، برای اسرائیل تروریسم است

حق مقاومت به پشتوانه و ضمانت قوانین بین المللی ست و بنابراین حق مردم ما است. برای آنهایی که حافظه شان یاری نمی دهد، من می خواهم به شما یادآوری کنم که ملت ما تنها ملتی در کره زمین ست که با وجود صدور بسیاری قطعنامه توسط سازمان ملل متحد، هنوز هم تحت سلطه نیروی بیگانه می باشد.

امریکا و اروپا از فلسطینی ها می خواهند - و همچنین از حماس - که موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسند. آیا شما حاضر هستید؟

مشکل، موجودیت اسرائیل نیست. مشکل آنست که از حماس خواسته می شود که حقانیت و مشروعیت حاکمیت اشغالگر را بپذیرد. اینرا ما هرگز نخواهیم پذیرفت.

چندین بار بین حماس و الفتح توافقاتی صورت گرفت، که صرفا فقط روی کاغذ باقی ماندند. چرا اینبار باید گونه ای دیگر باشد؟ زیرا ما بدان آگاهیم که نمی توانیم یک شکست دیگر را به خود اجازه دهیم. اگر این شکاف باقی بماند، ما تا ابد در دست دشمن صهیونیست به بازی گرفته می شویم.

دولت وحدت ملی می بایست طی مدت شش ماه انتخابات جدید برگزار کند. آیا این واقع بینانه است؟

ما باید تلاش کنیم که واقعی بشود. بهر صورت حماس ترسی از انتخابات ندارد. بالاخره در سال ۲۰۰۶ که تا به حال تنها انتخابات در نوار غزه بود، پیروز شد. در پی آن اسرائیل جنگ علیه فلسطینی ها را تشدید کرد، نوار غزه را محاصره کرده و در کرانه باختری اردن دیوار آپارتاید بنا کرد.

هیچکس منکر آن نیست که الفتح که در کرانه باختری اردن حرف آخر را دارد، رل مهم را برعهده دارد. ولی هیچ نیرویی نمی تواند ادعا کند که تمام خلق فلسطین را نمایندگی می کند. این غرور و خود بینی باعث شد که اشتباهات زیادی رخ دهد.

این اتهام زده می شود که توافقنامه مذکور، تنها رئیس دولت خودگردان فلسطین و رهبر فتح، محمود عباس را تقویت می کند. آیا این صحت دارد؟

ما نباید در دام دشمن خود بیفتیم. من باز هم تکرار می کنم: این توافق یک پیروزی خلق فلسطین است، تمام جناحهای نیروهای مقاومت، و یقیناً عباس در این آشتی نقشی مهمی ایفا کرده اند.

شما در مورد این اظهار نظر عباس، که این توافق نامه مذاکرات با اسرائیل را زیر سوال نمی برد، چه می گوئید؟ از کدام مذاکرات صحبت می کنیم؟ مذاکره به این معنا که زمین را از خلق فلسطین می رباییم؟ یا اینکه به معنای پاکسازی قومی است که اسرائیل در بیت المقدس بدان مشغول است؟ یا که این واژه مجوزی است برای کشتار بدست اشغالگران؟ اسرائیل از کلمه "صلح" سوء استفاده می کند - تنها زبانی را که می فهمد، زبان خشونت است.

از نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو نقل قول شده که این توافقنامه ی دولت خودگردان با حماس "دفن صلح است" .. جلاّد خود را در پشت نقاب قربانی مخفی می کند! نتانیاهو مسئول قتل صد ها فلسطینی است. از این مرد هیچ درسی را در مورد دمکراسی نمی پذیریم.

مذاکره کننده ارشد دولت خودگردان فلسطین، "صائب عریقات"، گفت: فلسطینی ها خواهان آنند که "همه گزینه ها" در پی تصمیم اسرائیل مبنی بر تعلیق مذاکرات صلح، بررسی شوند. ما هم همین گونه فکر می کنیم. همینگونه که ملاحظه می کنید، رفع کدورت و آشتی هنوز در راه است.

اطلاعیه مشترک حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج (پی سی ار سی) و حزب کمونیست بنین (پی سی بی)

روز ۲۳ فوریه در گتو (بنین) دیداری بین دو سازمان "پی سی ار سی" ^۱ و "پی سی بی" ^۲ در حاشیه ی تظاهراتی که به مناسبت روز جهانی زبان مادری و جشن خلق بنین از طرف موسسه جهانی برای آموزش و پژوهش (Iniref) در بنین، برگزار شده بود، صورت گرفت.

دو سازمان درباره اوضاع بین المللی، وضعیت داخلی و ملی مربوطه، وظایف و آنچه را که این وظایف همراه با خود به ارمغان می آورد، تبادل نظر نمودند.

I- اوضاع جهانی.

۱ - تأثیرات بحران سرمایه داری که در سال ۲۰۰۸ در سراسر جهان رخ داد، هنوز ادامه دارند، شرایط زندگی پرولتاریا و مردم جهان را دشوار می کنند.

این امر باعث پیدایش و گوناگونی اشکال مبارزه جهت نیل به رهایی و آزادی خواهد بود.

۲ - این به اصطلاح قدرت های در حال ظهور در صحنه جهانی، که هسته اصلی و شناخته شده آن در گروه کشورهای بریکس- (کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی) BRICS- جمع آمده اند، افزایش رقابت های امپریالیستی همراه با افزایش درگیری های محلی در مناطق نفوذ، اساس یک جنگ نیابتی در عرصه جهان را فراهم می سازد.

اولین حمله از سوی کشورهای کهن امپریالیستی برای جلوگیری از ظهور کشورهای "در حال شکوفایی"، در لیبی رخ داد. و آنها (امپریالیست ها) مقابل چین و روسیه و همزمان علیه مردم آفریقا موفق شدند. فرانسه ۳۵ درصد از نفت لیبی را باید در پایان این جنگ به دست آورده باشد.

دومین حمله امپریالیستی، سوریه است؛ در این مورد آنها نه تنها با مقاومت مردم سوریه روبرو شدند، بلکه با سیاست مقاومت روسیه و چین نیز روبرو گشتند. دقیقاً همین روند را می توان در ایران مشاهده کرد.

II- قاره آفریقا.

۱ - آفریقا نقطه تلاقی همه تضاد های جهانی ست: فراوانی ثروتی بکر و دست نخورده، فریاد کمبود و قحطی اکثریت مردم،

حرص و طمع امپریالیست، سلطه فرهنگی، تجاوز نظامی علیه خلق ها، ایجاد پایگاه های نظامی در برخی از کشورها، به عنوان یک پایگاه عملیاتی قابل استفاده، مثل ساحل عاج و جیبوتی. کشمکش و رقابت بین قدرت های قدیمی و تعیین کننده با کشورهای در حال توسعه بسیار سخت و دشوار است. این رقابت اساس تمام درگیری های هائی است، که قربانیان آن، خلق های آفریقایی می باشند.

۲- به منظور حفاظت مناطق فرانسوی زبان، کشور فرانسه دست به دامان سیاست اشغال نظامی مستقیم در مستعمرات پیشین خود می شود. هدف اقدامات نظامی امپریالیستها (فرانسه و آمریکا-آفریکم-۳ و غیره)، کنترل آفریقا توسط نیروهای متجاوز در پایگاه های نظامی جیبوتی، چاد، ساحل عاج، ساحل، خلیج گینه و غیره می باشد. بر این اساس، اکنون "آبیدجان" (Abidjan) رسماً، به منظور پایگاه تدارکاتی برای حمله به خلق های منطقه خدمت می کند. آخرین و نزدیکترین نمونه ی دخالت نظامی همانی است که در آفریقای مرکزی در جریان است. هر بهانه ای برای مداخله در کشورهای آفریقایی، برای آنها مناسب است! به بهانه های زیر توجه کنید:

"تعقیب یک مستبد در ساحل عاج که حاضر به رسمیت شناختن نتایج انتخابات نیست"؛ "شتاب برای کمک! به قیام مردم لیبی علیه دیکتاتور قذافی. در کشور "مالی" — نام مبارزه با جهادپست ها (جهادگران) و بازگرداندن تمامیت ارضی. "در آفریقای مرکزی به نام بازگرداندن نظم و امنیت و پایان دادن به قتل عام" ... تاکتیک های امپریالیسم یکسان است. آتش افروزی بهانه ایست تا بعداً به شتاب، جهت خاموش کردن این آتش وارد میدان شوند. اما امروز می دانیم که مداخله فرانسه درگیری های قومی و مذهبی را تشدید کرده، هنگامیکه ائتلاف گروه های مسلمان آفریقای-سلکا- را خلع سلاح و جنایت گروه شبه نظامیان مسیحی را لاپوشانی می کند.

"پی سی ار سی" و "پی سی بی" تنها مسئول قتل عام شهروندان آفریقای مرکزی و خصوصاً مسلمانان و نسل کشی های صورت گرفته در این کشور را، امپریالیسم فرانسه و نیروهای نظامی آن می دانند.

"پی سی ار سی" و "پی سی بی" تجاوزات نظامی امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم فرانسه را، که خود را پشت نیروهای مسلح سازمان ملل متحد پنهان کرده و برای پابرجا یی قدرت خود، تلاش مذبحانه ای در حفظ حیطه ی خود دارد، محکوم می کنند.

۳- "پی سی ار سی" و "پی سی بی" از رهایی کشور برادر، تونس به رهبری حزب کار و جبهه دمکراتیک خلق برای دمکراسی، که در برابر تاریک اندیشی اسلامی به پیروزی دست یافته اند، و برای یک قانون اساسی دمکراتیک، تلاش دارند خوشحالند.

همچنین به کشور برادر نیجریه برای پیروزی دلیرانه علیه به یغما بردن منابع طبیعی، خصوصاً اورانیوم، که از طرف گروه آریوا، صورت می گرفت، و استقلال و حاکمیتی را که بر منابع طبیعی، بدست آورده اند، تبریک می گویند.

III- وضعیت در بنین و ساحل عاج نشان دهنده سلطه ی کامل امپریالیسم فرانسه است، که انحصار کنترل بخش قابل توجهی از اقتصاد ملی (بنادر، بانک ها، انرژی...) را در اختیار دارد.

۱ - در بنین، یانی بونی، بعد از غارت اقتصادی و مالی کشور، تلاش در ایجاد یک دیکتاتوری از نوع دیکتاتوری سابق داشت. مردم برخاستند تا او را متوقف ساخته و یک دولت کارگری - مردمی ایجاد کنند. بدین دلیل، "سی ار سی" از مبارزات کارگران و جوانان بنین برای رهایی و آزادی کامل خود، قاطعانه حمایت می کند و برایشان آرزوی موفقیت دارد.

۲ - در ساحل عاج، دولت اوآتارا Ouattara با استدلال عوام فریبانه ی "توسعه پس از فاجعه دوره ی جنگ"، رسانه های عمومی را افسار زده، آزادی های مدنی را محدود کرده، می خواهد سازمان های دانشجویی را ممنوع و ساختاری دست نشانده را جایگزین آنها کند.

حزب کمونیست بنین از مبارزات مردم و مبارزات حزب کمونیست ساحل عاج، علیه امپریالیسم فرانسه و علیه رژیم ضد آزادی اوآتارا در خدمت رهایی از استعمار نو، پشتیبانی می کند.

۳ - حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج از حزب کمونیست بنین و موسسه بین المللی آموزش و پژوهش IRNIF در بنین، جهت دعوت و اعلان برگزاری تظاهرات بزرگداشت روز جهانی زبان مادری و جشن های خلقهای بنین، نهایت سپاس را دارد.

"پی سی ار سی" و "پی سی بی" از کارگران، خلق ها، دمکرات ها و جوانان، مصرانه تقاضا دارد که بر خواسته های زیر پافشاری ورزند:

مخالفت با دخالت نظامی در کشورها!

مخالفت با پایگاه های نظامی کشورهای خارجی در خاک آفریقا!

طرد امپریالیسم!

Die kommunistische Partei Benins : PCB^۱

Parti Communiste Révolutionnaire de Côte d'Ivoire : PCRCI^۲

آفریکم: فرماندهی عملیات نظامی ایالات متحده در قاره آفریقا به استثنای مصر است.^۳

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری!

یاد داشتهای کوتاه سیاسی

گلچینی از فیسبوک



صحنه گردان اصلی این ماجرا خود آمریکاست



عراق در آتش ناآرامیهایی که امپریالیست آمریکا با اشغال این کشور مسبب اصلی آن است میسوزد. رژیم مالکی که دست نشانده آمریکا و خائن به ملت عراق و فاقد هر نوع مشروعیت مردمی است برای حفظ قدرت خویش از آمریکا خواسته است تا مستقیماً وارد عمل شود و تروریستها را سرچایش بنشانند!! در این کارزار دولت آمریکا و ایران و ترکیه از مالکی به دفاع برخاسته و حمایت خود را از رژیم او اعلام و شورشیان را محکوم کرده اند. امپریالیستهای غربی و در راس آن آمریکا گروه های تروریستی و بنیادگرا از جمله گروه داعش را تا بن دندان مسلح کرد و بجان مردم سوریه انداخت و اینک می خواهد با اشک تمساح ریختن برای مردم مصیبت کشیده عراق خود را مخالف گروه اسلامی تروریستی داعش جلوه دهد!! زی بیشرمی! تمام این توطئه های امپریالیستی و صهیونیستی به ضرر خلقهایی منطقه و در راستای منافع غارتگران بین المللی صورت گرفته و میگیرد.

صحنه گردان اصلی این ماجرا که خود آمریکاست این بار برای تحکیم و مشروعیت بخشیدن به حضور خود در خاک عراق به صدای نوری مالکی که گویا رییس «دولت مستقل» عراق است اما «در مقابل نیروی تروریستی ضعیف و ناتوان میباید» لبیک گفته و وارد عمل میشود تا از «دمکراسی و حقوق بشر و شهروندی و امنیت و موجودیت کشور عراق دفاع نماید!!!!»

دولت اردوغان که از آغاز جنگ نیابتی علیه سوریه جانب گروه القاعده را گرفته بود اینروزها بعنوان متحد آمریکا در عراق به انجام وظیفه مشغول است. روزنامه جمهوریترکیه در شماره اخیر خود می نویسد: «دولت ترکیه قانونی را برای مداوای مجروحین داعش در خاک ترکیه، تصویب کرد! مخالفان دولت اسنادی ارائه داده اند که اسلحه های در دست داعش توسط اردوغان داده شده است.» (۲۴/۳/۹۳)

می بینید امپریالیستهای غربی و در راس آن آمریکا گروه های تروریستی و بنیادگرا از جمله گروه داعش را تا بن دندان مسلح کرد و بجان مردم سوریه انداخت و اینک می خواهد با اشک تمساح ریختن برای مردم مصیبت کشیده عراق خود را مخالف گروه اسلامی تروریستی داعش جلوه دهد!! زی بیشرمی! تمام این توطئه های امپریالیستی و صهیونیستی به ضرر خلقهایی منطقه و در راستای منافع غارتگران بین المللی صورت گرفته و میگیرد.

سازمان مجاهدین و گروه جهادست اسلامی داعش

سازمان مجاهدین ضد خلق در تارنمای خود از "گروه انقلابی داعش" سخن گفت!!! : «تسخیر کامل شهر موصل بوسیله نیروهای انقلابی و عشایر عراقی که برای سرنگونی دولت مالکی میکوشند بوقوع پیوست.»

این سازمان خود فروخته که بیشرمانه از اپوزیسیون آدمخوار القاعده و وهابی و سلفی در سوریه دفاع کرده و در ادامه منطقی این سیاست ارتجاعی از جریان پس مانده و تروریستی داعش که توسط امپریالیست آمریکا و عربستان و قطر پروار شده و در راستای منافع ژئوپلیتیک و «دکترین خاورمیانه بزرگ» و تجزیه عراق به میدان آمده اند، به دفاع برخاسته است نشان از ماهیت تبهکارانه جریانی است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و قدرت سیاسی در ایران هیچ ابایی ندارد تا با کثیف ترین و ضد بشرترین نیروهای دست پرورده امپریالیست آمریکا همکاری کند. جاسوسی هسته ای برای غرب و تشویق به تجاوز نظامی آمریکا به ایران اظهر المنشمس است نیازی به تکرار آن نمی باشد. بی دلیل نیست که مردم ایران کوچکترین سمپاتی به این جریان تروریستی و خودفروخته ندارند و سیاستهای وطنفروشانه آن را بشدت محکوم میکنند.

دریافت کمک مالی از اجانب محکوم است

پاسخ به یک سؤال در مورد سازمانها و احزابی که از امپریالیستها ساپورت مالی و تبلیغاتی میشوند

"رفیق عزیز حتمن به یاد دارید که «دادگاه جمهوری اسلامی ایران» به جرم جنایت علیه بشریت" تحت نام «کارزار مردمی ایران تریبونال» که در ژوئن ۲۰۱۲» در لندن و در اکتبر ۲۰۱۲ در لاهه برگزار شد با محکومیت رژیم جمهوری اسلامی به کار خود پایان داد.

اما این کارزار نشان داد که عده ای از سازمانهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی تا چه اندازه سقوط کرده اند که بیشرمانه با نمایندگان امپریالیستها که تحت عنوان دادستان و قاضی در این نمایش شرکت داشتند و برنامه را مهندسی کرده اند، همکاری نموده و بدان افتخار هم میکنند. یکی از افتخارات آقای دادستان، پیام اخوان، محاکمه رئیس جمهور قانونی اسبق کشور یوگسلاوی است که توسط امپریالیستها در زندان به قتل رسید. آقای اخوان بمباران و تجزیه یوگسلاوی را الگوی خوبی برای محاکمه سران جمهوری اسلامی می بیند و از آن الهام میگیرد. نباید فراموش کرد که هزینه این دادگاه و پوشش خبری و رسانه ای آن بدون دریافت کمک مالی و امکاناتی از امپریالیستها ممکن نبود.

حضور سازمان و احزاب خود فروخته ای نظیر مجاهدین و حزب کمونیست کارگری و برخی از سازمانهای منحرف و دنبالچه این جریانات ضد انقلاب نظیر بخش منشعب کمیته مرکزی سازمان راه کارگر، حزب مائویست (م.ل.م) و سازمان فدائیان اقلیت در این تریبونال و عدم موضع گیری در قبال تحریم و تجاوز امپریالیستی به ایران مبین این امر است که این بخش از اپوزیسیون به بهانه مبارزه علیه جمهوری اسلامی به همدست جهانخواران بین المللی تبدیل شده است. تشدید مبارزه طبقاتی و تکیه بر این اصل که مبارزه برای سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، نه تنها باید با تکیه بر نیروی لایزال مردم ایران تحقق پذیرد، بلکه باید همواره بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و دسیسه های آنها نیز مبارزه نماید، یک امر روشن و شفاف انقلابی برای تعیین جبهه انقلاب و ضد انقلاب، جبهه مبارزان انقلابی و همدستان امپریالیسم و صهیونیسم در ایران است. نیروی سیاسی جز این گوید به دره خیانت سقوط خواهد کرد و در نزد مردم ایران بی اعتبار خواهد گشت. سرنوشت غم انگیز سازمان مجاهدین و حزب کمونیست کارگری بسیار آموزنده است. به پروژه امپریالیستی شهرزاد نیوز و نقش ارتجاعی سازمان اقلیت در توجیه دریافت کمک مالی از امپریالیست هلند نگاه کنید، بسیار آموزنده است. آقای فرامرز فروزنده مدیر سابق تلویزیون اندیشه دریکی از برنامه هایش بطور صریح و بی پرده بیان داشت که «این تلویزیون به عده ای ز سازمانهای کمونیستی اجازه پخش برنامه داده البته هزینه اش ساعتی ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ دلار در ساعت و شرطش این است که در مورد کودتای ۲۸ مرداد سخن نگویند. فروزنده بطور روشن از سازمان فدائیان اقلیت نام برد...» رفیق عزیز، ما دیگر از دریافت کمک مالی حزب کمونیست کارگری از اسرائیل که طبق قطعنامه ایی در زمان منصور حکمت رهبر پرواسرائیلی این حزب به تصویب رسید... سخن نمی گوئیم اظهار المنشمس است، نیازی به توضیح بیشتر ندارد. تاکنون بسیاری از همین احزاب و سازمانهای نامبرده هیچ موضع روشنی در قبال وعده کمک ۷۵ میلیون دلاری امپریالیست آمریکا به اپوزیسیون ایران برای براندازی جمهوری اسلامی اتخاذ نکرده عملاً آن را به فال نیک نیز گرفته اند. به قول معروف سکوت علامت رضاست! "

نتیجه انتخابات سوریه

تودهنی مردم سوریه به غرب "متمدن" متحد القاعده



انتخابات ریاست جمهوری سوریه که با شرکت ۷۴ درصد مردم و انتخاب مجدد بشار اسد به پایان رسید، به رغم هر کمبود و عیب و ایراد و هر انتقاد برحق، یک نه بزرگ به دخالت امپریالیستهای مهاجم غرب و در راسش آمریکا و متحدینش عربستان سعودی، قطر و نیروهای تروریستی و آدمخوار القاعده، داعشها و و سلفی ها در سوریه و برای استقلال و موجودیت سوریه..... بود. این انتخابات پیشاپیش از طرف غرب "متمدن" متحد القاعده تحریم و بی اعتبار اعلام شد.

تشخیص و نگاه مردم سوریه در خلال سه سال زلزله مهیبی که بر سرشان خراب شده چنین است که بایست با شرکت در انتخابات به امپریالیست آمریکا و آدمخواران القاعده ای بعنوان خونخوارترین و ضد بشرترین دشمنانشان نه بگویند ویر حفظ تمامیت و موجودیت

کشورشان تکیه کنند، و چنین نیز شد. تشخیص صحیح تضادها به مردم کمک کرده تا مبارزاتشان را منطقی و در ریل ملی و طبقاتی پیش ببرند. متأسفانه با نگاهی که عده ای چپ اندر قیچی های وطنی به مسئله سوریه داشته و دارند در قالب شعار نهیلیستی نه به این و نه به آن! و بدون در نظر گرفتن توازن قوای ملی و طبقاتی، توازن ملی و بین المللی عملاً هم جهت با دشمنان مردم سوریه تحت عنوان دفاع از انقلاب سوریه؟! به تروریستهای مرتجع و اراذل و سیاست نظم نوین امپریالیسم آمریکا خدمت کردند. این بیخردان سیاسی از وضعیت عراق نیاموخته همان مخرفات "جبهه موهوی سوم" را تکرار کرده و میکنند.

شورشهای خیابانی در عربستان و سکوت مرگ در غرب

اخیراً فیلمی از تظاهرات مردم علیه رژیم تروریستی وقرون وسطایی عربستان سعودی در عرصه مجازی پخش شده است. در سه سال اخیر در استان شرقی عربستان سعودی، که از مناطق نفتخیز این کشور است، اعتراضات گسترده ای علیه حکومت قرون وسطایی و سرسپرده آل سعود رخ داده که کمتر در رسانه های غربی انعکاس یافته است. معترضان با طرح مطالباتی نظیر آزادی بیان و اجتماعات و برابری مذاهب، بهبود شرایط اقتصادی و انتخابات دموکراتیک رژیم سرکوبگر عربستان را به چالش گرفته و دهها نفر جان خود را در راه آزادی از دست داده اند. در این فیلم که توسط خبرنگار عربستانی، تهیه شده از فقر گسترده در جامعه و سرکوب و ترور مخالفین... سخن میرود. تهیه این فیلم از طرف بی بی سی می تواند با انگیزه کانالیزه کردن اعتراضات مردم جان به لب رسیده در راستای منافع سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی و پیشگیری از انقلاب قهرآمیز علیه سلطه کامل امپریالیسم در آن کشور باشد. مردمی که چندین دهه از چهره منفور آل سعود و سیاستهای ضد بشری رژیم که مورد حمایت همه جانبه امپریالیست آمریکاست به ستوه در آمده است، می تواند در شرایط فقدان یک آلترناتیو مردمی بدنبال جناحی از اپوزیسیون روان شود که سلطه امپریالیستهای اروپایی در عربستان را راه حل خروج از وضعیت بحرانی کنونی بدانند. در هر حال تهیه این فیلم با هر انگیزه ای که باشد افشاگر بخشی از حقایق غیرقابل کتمان توحش و بربریتی است که چهره خون آشام امپریالیست آمریکا را که از حقوق بشر دم می زند، رومیکنند. وقتی نفت عربستان سعودی پشتوانه دلار آمریکاست، آنوقت سخن از احترام به حقوق بشر ریاکاری است و بس! فیلم را خود ببینید و قضاوت کنید!

<https://www.youtube.com/watch?v=qJiG915vdHk&list=UHZk9MrT3DGWmVqdsj5y0EA>

گسترش «الکلیسم» در جامعه

جامعه ای که در تب بیکاری، شکاف عظیم طبقاتی، استبداد و سرکوب سیاسی و اجتماعی و بیهودگی و بی آیندگی بسوزد... حاصلی جز رشد آسیبهای اجتماعی، اعتیاد و گسترش مصرف الکل و در نتیجه الکلیسم نخواهد داشت. رژیم جمهوری اسلامی مسبب اوضاع ناهنجار کنونی است و هیچ راه حلی جز زورگویی و سرکوب جوانان ندارد. رشد الکلیسم به قدری است که دیگر نمی توان چنین واقعیتی را کتمان کرد. در رسانه های رسمی بسیار در این مورد سخن میرود، در زیر به گوشه ای از اشاره میکنیم.

علی دلپیشه، رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایلام گفت: «در رابطه با «الکلیسم» باید مراقب بود، چون انکار این موضوع دردی از جامعه دوا نکرده و کار خطرناکی است.»

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران...، ایسنا، دلپیشه درباره مصرف مشروبات الکلی در ایران افزود: «باید از حالت انکار این موضوع در جامعه بیرون آمده و به عنوان یک واقعیت بپذیریم و قاچاقهای آن را نیز بپذیریم و برای آن راهکار داشته باشیم.» وی گفت: «جوانان ما در سنین پایین ۱۷ و ۱۸ سالگی درگیر این موضوع شدهاند و در استانی مانند ایلام که تنها ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد جای تأسف فراوان است زمانی که اعلام می کنیم بخشی از دختران و پسران ما درگیر این موضوع شدهاند.»

سال گذشته فرید براتی سده، مدیرکل پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی ایران گفت: «مصرف مشروبات الکلی در ایران افزایش یافته است.»

«سازمان بهداشت جهانی» نیز اخیراً اعلام کرد ایران در بین ۱۹۰ کشور رتبه ۱۶۶ مصرف سرانه الکل را دارد. بر پایه گزارش «سازمان بهداشت جهانی»، ایران همچنین کشور نوزدهم دنیا از نظر میزان مصرف بالای الکل به ازای هر مصرفکننده است.

گزارش منتشر شده توسط سازمان بهداشت جهانی میگوید که هر مصرفکننده در ایران، سالانه ۲۵ لیتر الکل مصرف می کند که این رقم دو برابر یک شهروند آمریکایی و حتی بیشتر از شهروندی روسی است.

با وجود ممنوعیت مصرف و خرید و فروش الکل در ایران، برخی گزارشها از حضور بیش از ۲۰۰ هزار فعال در بازار مشروبات الکلی در ایران خبر می دهند.

گزارشهای دیگری هم منتشر شده که میگوید در ایران بیش از ۸۰ میلیون لیتر در سال الکل مصرف می شود.

گفته می‌شود که هر سال بین ۶۰ تا ۸۰ میلیون لیتر مشروبات الکلی به ایران قاچاق می‌شود که این اعداد و ارقام غیر از مشروبات دست‌ساز و تولیدات شخصی است. جمهوری اسلامی مسبب اصلی این وضعیت هولناک اجتماعی است و فقط با مرگ آن می‌توان آغازگر جامعه ای سلام و شاداب باشیم.

شکست ارتجاع امپریالیستی در کشور مستقل سوریه، مجلس سوگواری ارتجاع خودفروخته ایرانی نیز هست



تجربه سوریه شکست اپوزیسیون انقلابی نمای ایرانی هم هست. در عین اینکه سلطنت طلبان و مجاهدین ضد انقلابی و خودفروخته رسماً و علناً در کنار جهادیه‌ها بودند...، حتی مجاهدین در کنارشان می‌جنگیدند، تروتسکیستهای ایرانی، بی‌وطنها، آنها که مبارزه با "اسلام سیاسی" را بر پرچمشان نوشته‌اند، آنهایی که هوادار تجاوز و تحریم مردم ایران هستند و می‌خواهند در صورت تجاوز آمریکا به ایران "ارتش آزادی ایران" به عنوان نیروی سوم ایجاد کنند همه و همه ورشکسته و بدنام شده‌اند. موضع مخالفان "اسلام سیاسی" که اکنون در کنار جهادیه‌های متعصب مسلمان ایستاده‌اند، خنده دار شده است. همین سند کوچک نشان می‌دهد این مبارزان ضد "اسلام سیاسی" همدستان صهیونیسم و امپریالیسم هستند و نه چیز بیشتر.....

یادآوری دروغهای حقوق بشری!!



- ۱- یادمان هست آنروزی که وزیر جنگ سیاه پوست آمریکا در صفحه جعبه جادویی ظاهر شد و با اشاره به نقشه عراق، "بمب مخفی اتمی" صدام حسین را برملا کرد!!
 - ۲- یادمان هست همین چند سال پیش وزیر امور خارجه سفید پوست آمریکا، جان کری، تصاویر کودکان عراقی که در اثر بمباران بمب افکنهای آمریکایی جان باختند را جعل کرده و به بشار اسد نسبت داد!!
 - ۳- یادمان هست که همین سال گذشته آمریکا دولت سوریه را متهم به استفاده از سلاح شیمیایی نمود تا زمینه را برای بمباران سوریه فراهم سازد!
 - ۴- یادمان هست همین چندماه پیش در جریان تظاهرات خیابانی در اوکراین و تیراندازی بسوی مردم فریب خورده از پشت بامها، به دولت حاکم نسبت داده شد تا زمینه کودتا فراهم آید!!
- این دروغها نامشان دروغهای حقوق بشری است! و به این زودیه‌ها پایان نمی‌گیرد مگر با مرگ نظام دروغ آفرین امپریالیستی ***

میلیاردها دلار دزدی حلال!

دزدی و فساد در تمام وجود حاکمیت لانه گزیده و فقط به بابک زنجانی‌ها و مدیرعامل بانک ملی سابق ختم نمی‌شود. فرزندان هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای رهبران مافیای حاکم بر ایران هستند و در راس هرم قرار دارند. تنها زمانی فساد و دزدی و... ارتشاء و قتل و غارت و جنایت از ایران.... رخت برمی‌بندد که عمر نظام مافیایی سرمایه داری که در لباس دین حکومت میکند، به پایان رسد و حکومتی مردمی برمسند قدرت بنشیند. در زیر گوشه‌ای از مصاحبه با بابک زنجانی را که «به لطف خدا میلیاردها دلار پول حلال نصیبش شده»، را بخوانید!

راز موفقیت خود را در چه می‌دانید؟

"فعلاً که موفق نیستم اما من به عنوان یک سرباز بسیجی در جبهه اقتصادی کار می‌کنم. شانس‌هایی بوده که خدا در اختیارم گذاشته و از آن‌ها استفاده کرده‌ام. حداقل سه یا چهار بار هم ورشکسته شده‌ام. بنده در دوران سربازی راننده رییس بانک مرکزی وقت بودم. در

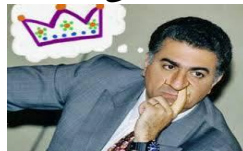
آن زمان هم توانستم به کشورم کمک کنم و روزانه ۲۰ میلیون دلار را می‌بردم بیرون در بازار می‌فروختم تا قیمت ارز در بازار نوسان نداشته باشد آن موقع هر دلار ۳۰۰ تومان بود و زمزمه افزایش قیمت آن مطرح بود. در نهایت فکر می‌کنم که راز موفقیت در تشخیص حلال و حرام و لطف خدا و اعتقاد به کشور جمهوری اسلامی و ولایت فقیه است" ***

از حال و روز جبهه سومیها" در عراق، افغانستان، فلسطین، لیبی، سوریه چه خبر؟

عده ای از سازمانهای چپ اندر قیچی جمهوری اسلامی در مقابل سیاست صحیح و منطقی حزب ماعلیه تجاوز نظامی امپریالیسم به عراق و افغانستان و لیبی و سوریه که بر تاکتیک "جبهه ممانعت از تجاوز" به کشورهای مذکور استوار بوده و می‌باشند، "جبهه سوم" و تاکتیک "نه به این و نه به آن"، علیه صدام، علیه بوش، علیه اسد، علیه اوباما، علیه قذافی، علیه آمریکا.... تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی...! را طرح کرده اند....

پرسش ما همواره این بوده است چرا این احزاب و سازمانها آدرس "جبهه سوم" در عراق و لیبی و سوریه و افغانستان..... را به ما دیگران نداده و نمی‌دهند تا از آن به دفاع برخیزیم؟ حال اگر آدرس نیست و چنین جبهه ای اساساً موهومی است، آیا این سیاست ارتجاعی و ترسکیستی جز مبارزه در پارکابی امپریالیسم و به چرخ پنجم غارتگران بین المللی تبدیل شدن معنایی دارد؟

رضا پهلوی عامل اجنبی، نه دمکرات است و نه ملی!



روی سخن ما به آنهایی است که اینروزها از روی بی‌افقی و سرخوردگی سیاسی و فرار از مار غاشیه به عقب جرات پناه برده و به نردبان رضا پهلوی این عامل اجنبی آویزان شده اند. این بیخردان برای توجیه سیاست ارتجاعی خود بدروغ رضا پهلوی را "دمکرات و ملی" جار می‌زنند، که "وی مثل پدرش نیست و هیچ ربطی به پدر بزرگش هم ندارد"، که وی از "نسل جوان" است و از "گذشته پدرش آموخته است"، که وی بسیار دلسوز و خاکی است و "انسان خیلی خودمانی است"!! این نکات اگر با انگیزه خیانت نباشد حتمن از سر نادانی و جهالت و بیسوادسی سیاسی و عدم شناخت از تاریخ پرفراز و نشیب دوران معاصر ایران است. حال بد نیست کمی "دمکرات و ملی بودن" را از زبان خود رضا نیم پهلوی بشنویم تا یک طرفه به قاضی نرفته باشیم:

**خبرنگار آلمانی در مصاحبه با رضا پهلوی:

۱- پرسش: مداخله نظامی غرب در ایران می‌تواند به شکست بیانجامد و جمهوری اسلامی را تقویت کند.....

پاسخ: "خیلی این حرف درست نیست. بسیاری از ایرانیها حتا برای خلاصی از حکومت طرف مهاجمان را خواهند گرفت".

۲- پرسش: ایران در زمان پدرشما کشور چندان دمکراتیکی نبود.

پاسخ: "پدرم بر این باور بود که ابتدا به مردم تاحدی آموزش بدهد تا دمکراسی امکان پذیر شود. میخواست ابتدا جامعه مدنی ایجاد کند".

.... همین دویاسخ کوتاه نشان میدهد که رضا پهلوی سودایی جز احیای یک حکومت دست نشانده سلطنتی توسط امپریالیسم و نظام

دیکتاتوری رستاخیزی در سر ندارد. وی همانند پدر خود فروخته اش مردم را صغیر و خود را قیم آنها می‌داند که باید بزور چماق و سرکوب و به صلابه کشیدن آنها "دمکراسی" را در حلقومشان فرو کند!! وی همانند پدرش مردم را گوسفند و شایسته دمکراسی ندانسته، "باید ابتدا به آنها درس دمکراسی و مدنیت داد"!! و اگر فهم و شعور درک از دمکراسی و مدنیت را ندارند چاره ای جز تیرباران آنها در تپه های اوین نیست. زندان و ساواک و شکنجه و دیکتاتوری بخشی از انگیزه تلاش پدرش برای استقرار تمدن بزرگ و مدنیت بود که به مردم ایران روا داشته ولیاقتی جز این نیز برای مردم نادان و بی فرهنگ نبود!! زهی بیشتر می!

رضا پهلوی می‌داند که بدون دخالت اجنبی در ایران هیچ بختی برای به قدرت رسیدن ندارد، از این رو از امپریالیست آمریکا می‌خواهد که به ایران تجاوز کند و متحدینش در این تجاوز شیخکهای عربستان سعودی، قطر و بحرین و کویت و رژیم صهیونیستی اسرائیل... هستند. کسی که نخواهد علیه امپریالیستها و دخالتهای بیشترانه آنها در ایران موضع بگیرد و با تنوری همه باهم و "وحدت کلمه" با رضا پهلوی " و دارودسته ارادل و اوباش شعبان بیمخ جمهوری جنایتکار جمهوری اسلامی را براندازد، ول معطل است، صفش را از مردم ایران جدا ساخته و به وابستگان امپریالیسم پیوسته است. شتر سواری دولا دولا ندارد. یا با مردم برای برچیدن بساط غارت و استبداد حاکم و بدون دخالت اجانب در ایران یا با دشمنان قسم خورده مردم علیه مردم! شق وسطی وجود ندارد.

** پرشگر آلمانی، خانم گلاڈیا هوفمن منتشره در تارنمای هفته نامه آلمانی فوکوس هفتم ژوئن ۲۰۱۲

به یاد رفیق کاک عبدالله حسن زاده

تعلق طبقاتی و یا تعلقات ملی
(به یاد رفیق کرد ما عبدالله حسن زاده)



یادنامه زیر درمورد رفیق کاک عبدالله حسن زاده درتوفان دوره پنجم برای تدارک کنگره مشترک تنظیم و منتشر شد. امسال به مناسبت سالگرد جانباختن این رفیق مجدداً مبادرت به چاپ آن میکنیم و یاد رفیق را گرامی میداریم

هنیت تحریریه

تیرماه ۱۳۹۳

نامه ای از یکی رفقای قدیمی به دست ما رسیده که به درج آن اقدام میکنیم.

دوستان مبارز سازمان کارگران مبارز ایران و حزب کار ایران - توفان - با سلام، خسته نباشید. امیدوارم در راه پیشبرد مارکسیسم - لنینیسم و اهداف مقدس آن موفق و پیروز باشید. هدف از نوشتن این نامه برای شما دوستان دادن اطلاعات در مورد یکی از همزمان و رفقای پیشمرگ کاک عبدالله حسن زاده که در تیرماه ۱۳۶۰ در شهر سقز در صفوف پیشمرگان حزب کمونیست کارگران و دهقانان (توفان) قبل از انشعاب حزب در آن سالها هنگام حمله مزدوران پاسدار جمهوری اسلامی به کردستان (سقز) هدف گلوله قرار گرفت و از ناحیه شکم به شدت مجروح گردید. پیکر رفیق به شهر بوکان (که در آن زمان در دست پیشمرگان و نیروهای سیاسی بود) منتقل گردید. در بیمارستان شهر بستری اما متأسفانه معالجات موثر واقع نشد و جانش را در راه رهایی خلق ستمدیده کرد و طبقه کارگر ایران تقدیم کرد.

کاک عبدالله حسن زاده که در آن سال حدود ۳۰ سال از سنش میگذشت مدت یکسال بود که در تشکیلات "توفان" در کردستان سازماندهی و با عشق و علاقه به مارکسیسم - لنینیسم در همه عرصه های مبارزه در آن زمان فعال بود. یکبار رفیق در سال ۱۳۵۹ مقدار زیادی نشریه "توفان" و سپیده سرخ، مقداری کتاب با خود از سقز به مقصد بندر عباس میبرد. نشریات و کتابها را با خود به محل خوابگاه و کارگاه شرکتی که در آنجا به عنوان کارگر جوشکار مشغول به کار بود برده و در بین کارگران پخش میکند. بعد از چند روز از طرف نیروهای حزب الهی و کمیته بندر عباس دستگیر و دو ماه زیر شکنجه پاسداران قرار میگیرد که به اتهام مطروحه از ناحیه آنان اعتراف نمیکند. در نتیجه آزاد میشود و بعد از این ماجرا از شرکت نیز اخراج میگردد. همین امر باعث شد برای همیشه به کردستان بازگردد. بعد از بازگشت اصرار میورزید که در صفوف پیشمرگان حزب در کردستان سازماندهی شود. با اصرار من که در آن زمان مسئولیت تشکیلات سیاسی - نظامی کردستان بعد از دستگیری رفیق رحمان در شهر سقز را به عهده داشتم او را مدتی به شهر بوکان فرستادم تا در دکه نشریه فروشی حزب به انجام وظایف مشغول گردد. سرپرستی مادر و خواهرش با دو تا بچه به عهده رفیق عبدالله بود و همین امر باعث میشد که در مورد او جانب احتیاط را گرفت. وی سرانجام در دسته پیشمرگان حزب "توفان" سازماندهی گردید. بعد از شهادت رفیق عکس و سرگذشت رفیق در "توفان" چاپ گردید.

اگر در آرشیوتان از شماره های "توفان" آنزمان در دسترس دارید میتوانید از آن استفاده و اگر مایل بودید به خاطر یادآوری خاطرات این همزمان کارگر و صادق که به خاطر آرمانهایشان از جان خود مایه گذاشتند یادآوری گردد."

کاک عبدالله حسن زاده یک کمونیست انقلابی بود و جانش را بر سر آرمانش که نجات طبقه کارگر ایران و کسب حقوق خلق کرد بود گذارد. رفیق عبدالله به کمونیست بودن خود بیش از تغلفات ملی خود تکیه میکرد و در بندر عباس نشریه پخش میکرد زیرا میدانست که برای آزادی ایران، برای استقرار دموکراسی در ایران، برای رهایی خلق کرد و یا آذری از ستم ملی به اتحاد همه طبقه کارگر ایران نیاز است، کارگر بندر عباسی همانقدر مورد ستم است که کارگر خوزستانی، خراسانی، آذری و یا کردی، وی در میان کارگران بندر عباس که مخلوطی از فارسها، عربها، آذریها هستند مبارزه میکرد و زبان واحد همه آنها را میفهمید. وی در جایی فعالیت میکرد که منافع تشکیلات و ملزومات

مبارزه طبقاتی آن را میطلبد. وی میدانست که باید حزب واحد و سراسری طبقه کارگر ایران را بر پا داشت و مبارزات طبقه کارگر بر ضد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را رهبری نمود، زیرا میدانست راه نجات بشریت از بربریت نظام سرمایه داری و پایان دادن به نفرت ملی از سرمنزل سوسیالیسم میگذرد. مبارزه رفقای کمونیست کرد، آذربایجانی، عرب، فارس با فرزندان سایر خلقها و اقلیتهای قومی و مذهبی ایران در تشکل ما از روحیه انترناسیونالیستی تشکیلات ما حکایت میکند. ما به حزبی نیاز داریم که وابستگی های ملی در آن جنبه فرعی داشته باشد و آنچه اعضاء آن را به هم پیوند میدهد ایمان راسخ به ایدئولوژی طبقه کارگر باشد. کمونیست به ما میآموزد که تعلق طبقاتی بر تعلق ملی ارجحیت دارد و مشخصه حزب طبقه کارگر است. رفیق عبدالله حسن زاده رفیق کرد ما بود که برای رهایی طبقه کارگر ایران رزمید و در این راه جان باخت و رفیق دیگر ما احمد مجلسی رفیق فارس ما بود که سالها در همکاری با رفیق فواد سلطانی در غرب ایران فعالیت میکرد و سپس در رابطه تنگاتنگ با رفقای سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) قرار گرفت و سرانجام جانش را بر سر قرار با رفقای کومله در تهران در سحرگاه یورش ارتجاع از دست داد.

راه پیروزی طبقه کارگر ایران از خون فرزندان تمامی خلقهای ایران گلگون است و این امر ما را فرا میخواند که صرفنظر از تعلقات ملی و وابستگیهای قومی در صفوف حزب واحد طبقه کارگر متحد شویم و برای امر مقدس استقرار سوسیالیسم در ایران مبارزه مشترک بنمائیم. آنگاه ما به بهترین تجلیل از رفقای جانباخته خود و همه مبارزان راه سوسیالیسم دست زده ایم. "توفان" در این راه مصمم پیش خواهد رفت.

برگرفته از کتاب جان باختگان توفان چاپ دوم اردیبهشت ۱۳۹۳

اعتصاب غذای ۹ زندانی سیاسی در همبستگی با رضا شهابی

مردم ایران، کارگران، آذیخواهان و نهادهای مدافع حقوق انسان ها!



با بی توجهی و آزار و اذیت جمهوری اسلامی جان رضا شهابی در ۲۴ مین روز اعتصاب غذا در خطر است! رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد و مسئول مالی این سندیکا، بدلیل تلاش و ایجاد تشکل قانونی مدافع حقوق کارگران، مانند امنیت شغلی و دستمزد شایسته انسانی و آزادی حق تشکل و اعتصاب، توسط حکومت ضد کارگری دستگیر و زندانی شد.

او، بدنبال یورش وحشیانه ارازل و اوباش به بند ۳۵۰ زندان اوین چند روز به سلول انفرادی فرستاده شد و سپس بطور غیر قانونی و بدون محاکمه و حکم قضایی به زندان جهنمی رجایی شهر (گوهردشت) تبعید شده است. وی در اعتراض به این اعمال خودسرانه و غیرقانونی، ۲۴ روز است که در اعتصاب غذا بوده و حدود ۹ کیلو وزن کم کرده است. و متأسفانه بعلت بیماری های سخت، مانند دیسک و قلب، در وضع وخیمی بسر می برد.

ما ضمن اعلام ۲۴ ساعت اعتصاب غذا در همدردی و همبستگی با خواست های انسانی و به حق ایشان، از تمامی نهادها و مردم ایران و جهان می خواهیم صدای اعتراض و فریاد خود را، علیه نا عدالتی و حق کشی های روا داشته بر ایشان، بلندتر و رساتر کنند. مخصوصاً خانواده ۵۰ میلیونی کارگران باید بدانند که رضا شهابی فرزند جسور، مبارز و حق طلب این طبقه، زندگی و خوشبختی خود و خانواده اش را در راه مبارزه برای سعادت خوشبختی آنها گذاشته و فدای ایشان می کند. با دفاع از وی از آینده ای عاری از بهره کشی و جور و ستم، از حق تشکل، اعتراض و حق زندگی انسانی خود دفاع کنید.

شاهرخ زمانی خالد حردانی افشین حیرتیان محمد امیر خیزی صالح کهندل رضا اکبری علی سلام پور اصغر دهقان محمد علی منصوری

یاد همه جانباختگان راه آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی گرامی باد!

توفان شماره ۱۷۲ تیر ماه ۱۳۹۳
ارگان مرکزی
حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

* در افشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

* **مرغان پرکشیده توفان. جاتباختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳**

* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی

* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی

* جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین

* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین

* ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین

* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی

* مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس

* امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین

* توطئه بزرگ کتاب سوم

* توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه میکنیم



آدرس سایتها ووبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.kargareagah.blogspot.com](http://www.kargareagah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahetoufan67.blogspot.com](http://rahetoufan67.blogspot.com)

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توفان در توییتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=t>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

دست امپریالیستها از ایران ومنطقه کوتاه باد!